

بازشناسی اندیشه سیاه  
دشمنان شعائر

بیانات مرجع عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی

سید صادق حسینی شیرازی دامه ظلّه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست

- ۵.....قدردانی و تشکر
- ۷.....روایت امّ ایمن
- ۱۲.....شیطنت انسانی
- ۱۴.....تلاش نافرجام
- ۱۹.....ائمہ الکفر و اشیاع الضالّہ
- ۲۴.....لحظہ وداع با کربلا
- ۲۶.....مواردی دیگر از خصایص حسینی
- ۲۹.....دو عزاداری دیرینه
- ۳۵.....سؤال‌های سیاه

- ۴.....بازشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر
- ۳۹.....چهارصد هزار درهم برای جعل یک حدیث
- ۴۲.....شناخت دقیق تر شعائر
- ۴۷.....عراق سرزمین عزاداران حسینی
- ۴۹.....حتی یک نفر
- ۵۱.....مصرف سهم امام در شعائر حسینی

## قدردانی و تشکر

این مصیبت عظمی، شهادت سرور و سالار شهیدان حضرت سیدالشهدا امام حسین علیه السلام و خویشان و یاران باوفایش و به اسارت رفتن خاندان پاکش را به مقام رفیع و منیع ولایت عظمی الهی و امامت کبری، حضرت ولی عصر، مهدی موعود علیه السلام تسلیت می‌گوییم.

حقا که این مصیبت در تاریخ خداوندی خدا بی‌بدیل است؛ هرچند که خدای متعال، ازلی و سرمدی است و در اصطلاح، تاریخ برای او معنی‌دار نیست. اما مجازاً چنین تعبیر می‌کنیم از بی‌مانند بودن عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام که در روایات وارده از معصومان علیهم السلام به عظمت و سنگینی مصیبت عاشورا

۶.....بازشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

تصریح شده است، به حدی که این مصیبت بر آسمان‌ها و زمین و جن و ملک هم سنگینی می‌کند. با عرض تعزیت به محضر حضرت حجت علیه السلام از خدای عزوجل، تعجیل در فرج آن حضرت را خواستاریم. امید آنکه هرچه زودتر حضرت تشریف آورند و انتقام همه مظالمی را که روی داده و در رأس آن‌ها انتقام مصیبت جانگداز شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام را بگیرد. امروز بسیاری از مردم دنیا به انواع ظلم دچارند. باشد که با ظهور حضرت همه این مظالم برطرف گردد.

نیز این مصیبت عظیم که دل آسمانیان و زمینیان را جریحه‌دار کرده است را به همه مردان و زنان مؤمن جهان تعزیت می‌گوییم. و بر خود واجب می‌دانم که از همه بزرگوارانی که شعائر مقدس حسینی را در دهه

روایت امّ ایمن ..... ۷

عاشورای امسال برگزار کردند و در آن تلاش کردند و تشویق کردند، تشکر و قدردانی کنم و دعاگوی آنان هستم. در این میان هرکس زحمت بیشتری کشیده است و با مشکلات بیشتری مواجه بوده است، البته اجر و ارج بیشتری نیز در دستگاه حضرت سیدالشهدا علیه السلام دارا است، و زهی سعادت او را که مقامش والاتر است و آخرتش هم آبادتر.

### روایت امّ ایمن

در حاشیه کتاب گرانقدر کامل الزیارات حدیثی از یکی از شاگردان ابن قولویه در دست است که جای تأمل بسیار دارد و مناسبت زیادی هم با شرایط کنونی ما دارد. مرحوم ابن قولویه استاد خیلی از علما همچون مرحوم صدوق بوده است. در میان شاگردان کثیر آن عالم به نام حسین بن احمد برمی خوریم که راوی

۸ .....بازشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

حدیث مذکور از ابن قولویه است. ایشان که به شهادت اصحاب تراجم و رجال همچون نجاشی از ثقات روات است، روایت مذکور را از ابن قولویه ذکر می‌کند و می‌گوید که این روایت باید در کتاب کامل الزیارات جا می‌گرفت ولی به دلیل وفات استادش، به ابن قولویه فرصت این کار دست نمی‌دهد. از این‌رو آن را در حاشیه این کتاب ذکر می‌کند. از این‌رو نیز می‌توان ادعا کرد که جزو آن کتاب نیست.

از طرف دیگر مرحوم علامه مجلسی قده به هنگام ذکر این حدیث در کتاب بحار الأنوار، منبع آن را کتاب کامل الزیارات نقل کرده است. برخی به همین دلیل بر او اشکال گرفته‌اند. شکی نیست که علامه مجلسی قده از اشکال گیرندگان به این مسئله آگاه‌تر است. ما نیز به پیروی از ایشان و به دلیل دقت‌ورزی



روایت امّ ایمن ..... ۹

علمی وی، مصدر این حدیث را همان کتاب کامل الزیارات می‌دانیم.

حدیث مذکور مفصل است و هنگامی که حضرت سیدالشهدا علیه السلام، به ظاهر سه، چهار یا پنج ساله بودند حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن را فرمودند. امّ ایمن بعدها این حدیث را برای حضرت زینب علیها السلام نقل فرمودند. حضرت زینب علیها السلام در واپسین ساعات حیات ظاهری پدر بزرگوارشان، امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام و در همان حال ضعف و بی‌حالی که بر او غلبه کرده بود، روایت را از ایشان سؤال می‌کند. حضرت امیرمؤمنان علیه السلام به دخترش می‌فرماید: «الْحَدِيثُ كَمَا حَدَّثْتِكِ أُمَّ أَيْمَنَ؛<sup>۱</sup> حدیث به همان شیوه است که امّ ایمن آن را برایت روایت کرده است».

---

۱. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۸۳.

۱۰.....بلزشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

این روایت طولانی، شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام و برخی اتفاق‌ها را که پس از شهادت ایشان روی داده است بیان می‌کند. از جمله اینکه پس از به شهادت رسیدن حضرت امام حسین علیه السلام به آن وضع فجیع، ابلیس لعنة الله علیه (پدر شیاطین) از شدت خوشحالی پرواز می‌کند و شادمان فریاد برمی‌آورد که آخر به خواسته خود دست یافتیم. پس از این، تلاش خود را در تشکیک مردم صرف کنید.<sup>۱</sup>

---

۱. «قَالَتْ زَيْنَبُ فَلَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مُلْجَمٍ لَعْنَةَ اللَّهِ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامَ وَرَأَيْتُ  
أَثَرَ الْمَوْتِ مِنْهُ قُلْتُ لَهُ يَا أَبَتَهُ حَدِّثْنِي أَمْ أُيْمَنَ بَكَذَا وَكَذَا وَقَدْ أَحْبَبْتُ  
أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْكَ فَقَالَ يَا بِنْتَةَ الْحَدِيثِ كَمَا حَدَّثْتُكَ أَمْ أُيْمَنَ وَكَأَنِّي بِكَ  
وَبَيْنَاتِ أَهْلِكَ سَبَايَا بِهَذَا الْبَلَدِ أَذِلَاءَ خَاشِعِينَ تَخَافُونَ أَنْ يَخَطْفَكُمُ  
النَّاسُ فَصَبْرًا فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ مَا لِلَّهِ عَلَى الْأَرْضِ  
يَوْمَئِذٍ وَوَلِيٌّ غَيْرُكُمْ وَغَيْرُ مُجِيبِكُمْ وَشَيْعَتِكُمْ وَلَقَدْ قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ

روایت امّ ایمن..... ۱۱)

گفتنی است که ابلیس، همان شیطان معروف است که خدای یگانه او را از درگاه خود راند و از آن وقت تا کنون خود و اعوان و شیاطین دیگری که تحت امر او هستند به اغوای ابنای بشر مشغول اند. شاید میلیاردها میلیارد ابلیس و شیطان دیگر او را در این کار یاری می کنند.

همانند روایت فوق حتی در خصوص دیگر معصومان علیهم السلام هم وارد نشده است و اختصاص به حضرت سیدالشهدا علیه السلام دارد.

---

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ أَخْبَرْنَا بِهَذَا الْخَبَرِ أَنَّ إِبْلِيسَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ  
يَطِيرُ فَرَحًا فَيَجُولُ الْأَرْضَ كُلَّهَا فِي شَيْطَانِيهِ وَعَقَارِيتهِ يَقُولُ يَا مَعْشَرَ  
الشَّيَاطِينِ قَدْ أَدْرَكْنَا مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ الطَّيِّبَةَ وَبَلَّغْنَا فِي هَلَاكِهِمُ الْغَايَةَ  
وَأَوْرَثْنَاَهُمُ السُّوءَ إِلَّا مَنْ إِعْتَصَمَ بِهَذِهِ الْعِصَابَةِ فَاجْعَلُوا شُغْلَكُمْ  
بِشَيْكِكِ النَّاسِ فِيهِمْ وَحَمَلِهِمْ عَلَى عَدَاوَتِهِمْ وَإِغْرَائِهِمْ بِهِمْ  
وَبِأَوْلِيَائِهِمْ حَتَّى تَسْتَحْكِمَ ضَلَالَةَ الْخَلْقِ وَكُفْرَهُمْ وَلَا يَنْجُوا مِنْهُمْ نَاجٍ»  
(بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۸۳ به نقل از کامل الزیارات، ص ۲۶۶).

## شیطنت انسانی

گفتنی است که قرآن کریم برخی از انس را هم گاهی جزو شیاطین نام می‌برد، آن‌گاه که می‌فرماید: «شَیَاطِیْنِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ». مضافاً بر آنکه در این تعبیرها شیاطین انس را بر جن مقدم می‌دارد که حتماً این امر از سوی خدای حکیم و کلام او، قرآن کریم، که سراسر بر حکمت و بلاغت استوار است امر بی‌دلیلی نیست و به این حقیقت راه می‌نماید که شیاطین انس به مراتب از شیاطین جن اغواگرتر هستند. حدیثی که پیش‌تر ذکر آن رفت هم مؤید این حقیقت است. از آنجا که وظیفه مهم و اصلی شیاطین پراکندن تخم شک و شبهه در دل محبان و دوستان اهل بیت علیهم‌السلام است، به وضوح شاهد آن هستیم که برخی از انسان‌ها

متأسفانه در این کار جهد و اهتمام بالغی دارند و به هر شیوه در تشکیک در شعائر حسینی می‌کوشند.

این تشکیک لزوماً در خود امام حسین علیه السلام، وجود او و قضایای کربلا نیست. بلکه از هر موضوعی که به نحوی با ایشان و شعائرشان در ارتباط است برمی‌گردد. همیشه هم افراد عامی پیدا می‌شوند که سخنان آنان را باور کنند و از آن‌ها اثر بپذیرند.

حضرت امیر مؤمنان علیه السلام هم با «همج رعاع» نامیدن این عده درباره آنان فرموده است: «النَّاسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمَتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَهَمَّجٌ رِعَاعٌ، أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ، لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَلَمْ يَلْجُئُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ؛<sup>۱</sup> مردم بر سه دسته‌اند: عالم ربانی، درس‌آموز راه نجات، و مردمان بی‌پروایه که پشه‌وار

---

۱. نهج البلاغة، کلمات قصار، حکمت ۱۴۷.

۱۴.....بلاشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

در پی هر آوازدهنده‌ای می‌دوند و با هر بادی به این سو و آن سو می‌دوند، از نور علم پرتویی نگرفته‌اند و به ستون استواری پناه نبرده‌اند».

کسانی که به این حقیقت واقف‌اند وظیفه دارند که این تشکیک‌ها را از عقاید و باورهای مردم بزدایند. این وظیفه یک واجب کفایی است و تا هنگامی که «من فیہ الکفایة» به قدر مورد نیاز در جامعه نیست، بر همگان واجب عینی است. درست که انسان شاید نتواند به سبب تزاحم واجبات عینی از عهده انجام دادن همه آن‌ها بر نیاید، اما به قدری که می‌تواند نباید کوتاهی کند.

### تلاش نافرجام

حدیث شریف پیامبر ﷺ درباره حضرت سیدالشهدا علیه السلام جوانب و نکات متعددی دارد. بنده

تلاش نافرجام..... ۱۵

تا جایی که آثار علامه مجلسی و سید عبدالله شبّر و امثال ایشان را دنبال کردم، شرح و تبیین کاملی بر این حدیث و مفردات مطالب ارزشمند آن نیافتم.

مطالعه همه جوانب این حدیث و شرح و تفصیل آن، دست‌کم در یک کتاب مستقل می‌گنجد. شایسته است که اهل علم و کسانی که دستی در مطالعه و پژوهش در روایات اهل بیت علیهم‌السلام دارند، به این روایت توجه خاصی بکنند و با کاوش مطالب آن بقیه را هم با چاپ کتابی درباره آن سود بخشند.

در حدیث مزبور، رسول گرامی خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از یادکردن از پاره‌ای از حوادث عاشورا از جمله می‌فرماید: «وَلْيَجْتَهِدَنَّ أُمَّةُ الْكُفْرِ وَأَشْيَاعُ الضَّلَالَةِ فِي مَحْوِهِ فَلَا يَزْدَادُ إِلَّا عُلُوءًا»<sup>۱</sup> و پیشوایان کفر و پیروان

---

۱. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، ج ۲۸، ص ۵۵.

۱۶.....بازشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

گمراهی در نابودی آن می‌کوشند و [تلاش آنان] جز به  
بالاگرفتن [آوازه] آن نمی‌انجامد».

سخن رسول اکرم ﷺ که فرمودند «أَنَا أَفْصَحُ مَنْ  
نَطَقَ بِالضَّادِ؛ من کسی هستم که حرف ضاد را (به زبان  
عربی) فصیح‌تر تلفظ می‌کند» همه بر قاعده است و  
چیزی بی‌جهت در آن یافت نمی‌شود. در این حدیث  
حضرت در آغاز کلمه «وَلَيَجْتَهِدَنَّ» لام قسم را به کار  
برده است. این لام، به تنهایی معادل قسم است؛ یعنی  
گویی طرف گفته است: «والله که...». این گزیده‌گویی  
در قواعد و لغت عربی را اختزال می‌گویند و استعمال  
و دلالت‌های ویژه خود را داراست. در اینجا قسم یاد  
کردن رسول خدا ﷺ به دلیل اهمیت و جزمیت پیامی  
است که منتقل می‌کند. در ادامه نیز با به کار بردن نون  
تأکید ثقلیه، بر بار تأکیدی سخنش افزوده است.



تلاش نافرجام..... ۱۷

می‌دانید که در زبان عربی این دو نون، نون تأکید ثقلیه و خفیفه برای تأکید سخن در آخر افعال آورده می‌شوند و اولی معنای تأکیدی بیشتری دارد. خلاصه آنکه حضرت با به کار بستن این دو اسلوب تأکید در آغاز این جمله، بر اهمیت و حتمیت پیام موجود در جمله پافشاری می‌کند.

گذشته از آن «لِيَجْتَهِدَنَّ» از ماده جهد به معنای تلاش و کوشش با مشقت است. جهاد هم از همین ریشه مشتق است که حاکی از تحمل سختی و مشقت بسیار در دفاع از کیان و آرمان دینی است. جهد اصطلاحاً ثلاثی مجرد است و جهاد که از همان مشتق شده است را ثلاثی مزید می‌گویند.

نیز با افزودن یک حرف «ت» به آن، لفظ اجتهاد از ابواب مزید ساخته می‌شود که معنای جهد و مشقت

۱۸ .....بلزشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

زیاد را می‌دهد. حضرت با به کار بستن لام قسم و نون تأکید ثقیله بر فعل اجتهاد، می‌خواهد جهد بالغ و تلاش گسترده دشمنان دین را در اغوای مردم و نشر گمراهی بیان کند، که حقا چنین شد.

عمده تلاش رهبران کفر و پیروان گمراه آنان در نابودی دین اسلام و موضوعی که بیش از دیگر مسائل از گذشته تا به امروز آماج حمله آنان بوده است، مربوط به مسئله شعائر مقدس امام حسین علیه السلام بوده و هست. این موضوع تا بدان پایه برای دشمنان دین اهمیت دارد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله تلاش آنان را جهدی سرشار از مشقت و اهتمامی پیوسته با جزمیت می‌خواند. هدف آنان به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «محو» شعائر سیدالشهدا علیه السلام است، یعنی در نابودی آن، چنان می‌کوشند که اثری از آن برجای نماند. اما به لطف و

ائمه الكفر واشياع الضلالة ..... ۱۹

مشیت خدای متعال این جهد و اجتهاد فراوان آنان به فرموده حضرت «فَلَا يَزِدُّهُ إِلَّا عُلُوًّا» به جز از روز به روز برافراشته‌تر شدن پرچم شعائر و بالاتر گرفتن نام و یاد حضرت سیدالشهدا عليه السلام اثر و محصولی به جای نخواهد گذاشت.

### ائمة الكفر واشياع الضلالة

این سؤال مطرح است که اینان چه کسانی هستند که در راه نابودی دین مجتهدانه می‌کوشند؟ آیا از یهود و نصاری هستند؟ آیا بت پرستانند؟ بت پرستان و خیلی‌های دیگر که توجه چندانی به این مسائل ندارند. اینان از درون خود مسلمانان هستند. گروهی به نام منافقان، که همواره بوده‌اند. از زمان خود حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله اینها در میان مسلمانان، بوده‌اند تا روزگار ما. منافقان همانند

۲۰.....بلزشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

مسلمانان اظهار به اسلام و پذیرفتن نبوت رسول خدا ﷺ دارند اما در باطن به چنین عقیده‌ای ایمان ندارند و همواره در بزنگاه تاریخ و در حوادث و نقاط حساس، پرده از کفر و نفاق خود برمی‌دارند و به شکلی به اسلام و مسلمانان آسیب می‌زنند.

این عده که بر زبان رسول خدا ﷺ در این روایت از آن‌ها به «ائمة الكفر و اشیاع الضلالة» نام برده می‌شود دو دسته‌اند: ائمه کفر، یعنی پیشوایان کفر و گمراهی و کسانی که با افکار و آرای خود اسباب گمراهی دیگران را ایجاد می‌کنند و دسته بعدی اشیاع الضلالة؛ یعنی پیروان گمراهی هستند. اینان به واقع تحت تأثیر سخنان گروه نخست گمراه شده‌اند. شمار آن‌ها هم در هر زمانی کم نیست و عموماً از همان طیف از جامعه هستند که حضرت

ائمه الكفر و اشياع الضلالة ..... ۲۱

امیر مؤمنان علیه السلام در حدیثی که رفت از آنها به «همج رعاع» نام می‌برد. این عده چه مقصر باشند، یعنی در فهم دین خود کوتاهی کرده‌اند و چه قاصر، به کمک دسته نخست، ائمه کفر در نابودی دین خدا می‌کوشند و ابزار آنان نیز همان‌گونه که در روایت ذکر شده و در آغاز بحث گفتیم، ایجاد تشکیک و پراکندن شبهه‌های بی‌اساس در میان مردم است. موضوع این شبهه‌ها هم درباره دین خداست. در این میان در شعائر حسینی بیش از مسائل دیگر شبهه‌آفرینی شده است. این کار تلاش شیطان‌های انس و جن و کوشش منافقان و پیروان گمراه آنان است. اما به یاری خدای متعال این تلاش مختوم به شکست خواهد بود و پرچم دین خدا روز به روز برافراشته‌تر خواهد شد. «فَلَا يَزْدَادُ إِلَّا غُلُوبًا».

اطلاق لفظ «امام» بر کافران و منافقان چه بسا در ذهن بسیاری سؤال برانگیز باشد. بسیاری از اهل علم و درس خوانده‌ها با وجود درس و علمی که آموخته‌اند رسول خدا ﷺ نام آن‌ها را ائمه کفر نامیده است. همان‌سان که ایمان، امام دارد و رسول خدا ﷺ و ائمه طاهرین علیهم‌السلام امامان ایمان و راستی هستند، از آن‌سو کفر و نفاق هم پیشوا و مقتدا دارد که رسول گرامی خدا ﷺ از آن‌ها با عنوان «ائمه کفر» نام می‌برد. قرآن کریم هم درباره ائمه کفر می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ؛<sup>۱</sup> و آنان را پیشوایانی که به سوی آتش می‌خوانند گردانیدیم».

---

۱. سوره قصص، آیه ۴۱.

ائمه الكفر و اشیاع الضلالة ..... ۲۳

حال ائمه کفر آن گونه که رسول خدا ﷺ برای ما بازگو کرده است پیوسته به تشکیک مردم مشغول اند؛ چیزی که رضایت و شادمانی ابلیس پدر شیاطین را برآورده می کند و دشمنی خدای جبار را برمی انگیزد. ائمه کفر در همه مسائل دین دست به تشکیک می زنند که در رأس آنها شعائر مقدسه امام حسین علیه السلام است. «اشیاع الضلالة» هم گمراهانی هستند که قاصر یا مقصر از آنان پیروی می کنند.

حدیث فوق جای بحث و بررسی زیاد دارد. امیدوارم که اهل علم از حوزویان یا دانشگاهیان به شرح و بحث پردازند و کتابی فراخور در این رابطه تقدیم مسلمانان کنند. بنده تا به حال چنین شرحی نیافتم. شاید از متقدمین کسی این کار را کرده باشد ولی من در مطالعات و تتبع هایم چیزی ندیدم.

### لحظه وداع با کربلا

«وَلَيَجْتَهِدَنَّ أُمَّةُ الْكُفْرِ وَأَشْيَاعُ الضَّلَالَةِ فِي مَحْوِهِ فَلَا يَزِدَادُ إِلَّا غُلُوبًا؛<sup>۱</sup> و پیشوایان کفر و پیروان گمراهی در نابودی آن می کوشند و [تلاش آنان] جز به بالاگرفتن [آوازه] آن نمی انجامد».

این فرمایش پیامبر ﷺ، در روز یازدهم محرم سال ۶۱ هنگامی که اسرای اهل بیت علیهم السلام را می خواستند به سوی کوفه حرکت دهند، از زبان حضرت زینب علیها السلام به پسر برادرش، حضرت امام سجاد علیه السلام گفته شد. در آن هنگام سخت، نگاه حضرت سجاد علیه السلام به بدنهای تکه تکه شهدای کربلا افتاد و چنان حالت دشواری بر او عارض شد که به تعبیر حضرت زینب علیها السلام

---

۱. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۲۸، ص ۵۵ و کامل الزیارات (ج نجف: دارالمرتضویه، ۱۳۹۷هـ)، ص ۲۶۲.



نزدیک بود جان دهد. «وَتَبَيَّنَتْ ذَلِكَ مِنِّي عَمِّي زَيْنَبُ!»<sup>۱</sup> و عمه‌ام زینب متوجه آن حالت من شد.

آری، تصویری که حضرت سجاد علیه السلام در آن لحظه حساس دیدند چنان فجع و سهمگین بود که نزدیک بود از دیدن آن جان دهد. در آن برهه حضرت زینب علیها السلام که متوجه حالت نامساعد حضرت سجاد علیه السلام شدند، حدیث بلندی که بدان اشاره شد را برای ایشان نقل می‌کند تا با مژده ظهور منتقم آل محمد صلی الله علیه و آله از شدت حزن و اندوه او بکاهد. نیازی به ذکر نیست که حضرت سجاد علیه السلام خود از این حدیث آگاه است، چراکه او علم ازلی دارد و از ازل به همه این جریانات واقف بوده است. با این حال این کار به حسب ظاهر امر و به منظور کاستن

۲۶.....بازشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

از اندوه جانکاهی بود که بر دل او نشسته بود و هر آن، ممکن بود جان پاکش را بگیرد.

### مواردی دیگر از خصایص حسینی

حدیثی که ذکر آن رفت و محور نوشتار حاضر شد، از جهات مختلفی در خور توجه و تأمل است. یکی از آن نکات و مطالب مطرح شده در آن فقط و فقط ویژه حضرت سیدالشهدا علیه السلام است. از این رو جا دارد بزرگوارانی که به گردآوری خصایص حضرت سیدالشهدا علیه السلام اهتمام می‌ورزند این موارد را هم به کتاب‌های خود بیفزایند؛ زیرا فضیلت‌های مطرح شده در آن، خاص حضرت است و برای دیگر معصومان علیهم السلام یاد نشده است.

حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله متحمل اذیت‌های بسیاری در تبلیغ رسالت خود شدند. حضرت امیرمؤمنان علیه السلام و

مواردی دیگر از خصایص حسینی ..... ۲۷

حضرت زهراء علیها السلام نیز سراسر عمر بابرکت خود را در رنج و مشکلات ناشی از تثبیت و تبلیغ دین خدای متعال گذرانیدند و در این راه جانهای مطهر خود را نیز فدا کردند. به همین شیوه دیگر حضرات معصومین علیهم السلام، از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام تا حتی خود حضرت بقیة الله عز وجله (چه در پنج سال آغازین حیات ظاهری شان و چه تا به امروز که آماج انواع اتهامها و سخنان بی اساس درباره وجود و ظهور و قیام عالم گیرش قرار دارد) همگی با رنجها و آزارهای زیادی روبرو شدند. همگی امامان و معصومان ما گذشته از آن همه رنج، در راه احیا و تبلیغ دین خدا به شهادت رسیدند. با این حال و با این همه رنج و دشواری که متحمل شدند، در خصوص هیچ یک از آنان الفاظی چون «وَلَيَجْنِهِنَّ» - بالام قسم و

۲۸.....بلزشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

نون تأکید ثقیله و ماده جهد و علاوه بر آن، استفاده از باب افتعال که بیان‌کننده سختی و دشواری چند برابر است - به کار نرفته است.

باز درباره هیچ یک از معصومان علیهم‌السلام و مصائب عظمایی که بر آن‌ها وارد شده است نیامده است که «فَلَا يَزِدَادُ إِلَّا غُلُوبًا». آزار و اذیت دشمنان جز به بالارفتن نام و آوازه حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و شریعت او نمی‌انجامد. این تعبیر فقط برای حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام از زبان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است و حقا باید آن را جزو خصایص حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام برشمرد؛ ویژگی‌ای که فقط خاص حضرتش و شعائر مقدسه او و آرمان بلندش است.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با همه آزارهایی که از مشرکان مکه و یهود و منافقان دیدند، عاقبت ظفرمندان مکه

دو عزاداری دیرینه..... ۲۹

را فتح کردند. ولی درباره ایشان هم چنین قولی گفته نشده است. حضرت سیدالشهدا علیه السلام با آنکه در کربلا به شهادت رسیدند و به خیال باطل دشمنانش راه و یاد او را از بین بردند، روز به روز آوازه‌اش در جهان بیشتر پیچید و بر شمار دوستانش افزوده شد و دوستی آنان هر سال بیش از سال قبل و هر زمان بیش از پیش بیشتر می‌شود. این ویژگی خاص حضرت سیدالشهدا علیه السلام است.

### دو عزاداری دیرینه

دو عزاداری قدیمی در شهر کربلا مرسوم بوده که بعدها به دیگر نقاط جهان سرایت کرده است. از این دو یکی بعد از اذان صبح و پیش از طلوع آفتاب انجام می‌شده است و قدمتی چند صد ساله دارد. هرچند این نوع عزاداری در زمان ائمه اطهار علیهم السلام

۳۰.....بلازشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

و حتی عصر غیبت صغری نبوده است و چه بسا در سده‌های بعد از آن هم، گزارش نشده است، با این حال اکنون قدمت بسیاری دارد و در بلاد اسلامی خاصه شهرهای شیعه‌نشین شیوعی گسترده یافته است. بنده از دهه یک‌هزار و سیصد و هشتاد هجری به خوبی به یاد دارم که در کربلای معلی دسته‌های عزا پس از اذان صبح روز عاشورا بیرون می‌آمدند و این عزاداری پرشور را انجام می‌دادند.

عزاداری دیگری که قدمت آن به اولی نمی‌رسد ولی دست کم دویست تا سیصد سال قدمت دارد، عزای طویرج است که در بعد از ظهر روز عاشورا انجام می‌شده است. این عزاداری را نیز بنده از نزدیک دیده‌ام و در کربلای معلی در آن شرکت کرده‌ام. این عزاداری که به صورت دویدن دسته عزا انجام می‌شده

دو عزاداری دیرینه..... ۳۱

است از خیابان امام علی علیه السلام آغاز می شده است. سپس به سوی سوق العرب می آمدند و بعد از گذر از میدان امام حسین علیه السلام (فلکه امام حسین علیه السلام) در حالی که به سر و سینه می زدند دوان دوان به حرم مقدس آقا اباعبدالله علیه السلام می رسیدند. سپس سیل جمعیت عزاداران از در قاضی الحاجات وارد می شد و با همان حالت و شتابان و دوان از دالان تنگ آنجا که شاید عرضش از چهار پنج متر تجاوز نکند، به زحمت می گذشت.

در آن زمان، یعنی دهه هزار و سیصد و هشتاد هجری قمری، در کربلا جمعاً هفت دسته عزا بودند که جمعیت آن‌ها به حدود هزار نفر می رسید. هنگامی که این جمعیت یکباره و با شتاب به این دالان تنگ می رسید طبعاً تراحم افراد قدری دشوار بود. همچنین در مسیر قبلی خود نیز از خیابان‌های کم عرضی

۳۲.....بلاژشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

می گذشتند که باز جمعیت عزاداران به هم فشار می آوردند. کل این عزاداری شاید بیش از بیست دقیقه طول نمی کشید اما هیأت عزاداران و شتاب دویدن آنها و بر سینه و سر زدن ها و شعارهایی که می دادند دل هر رهگذر و بیننده ای را از اندوه به لرزه درمی آورد.

چقدر کتاب علیه عزاداری طویریج نوشتند و چقدر اعلامیه پخش کردند. امروز نیز علیه این عزاداری که در صبح عاشورا انجام می دهند همچنان کتاب هایی می نویسند و در این شعیره مقدسه اشکال تراشی می کنند. پیوسته علیه این عزاداری ها دروغ بستند و تشکیک کردند و مغالطه کردند، اما این گونه شد که می بینیم سال به سال بر شور و رواج این عزاداری ها در شهرهای مختلف دنیا افزوده می شود. «فَلَا يَزِدُّهُ إِلَّا عُلُوءًا».



دو عزاداری دیرینه..... ۳۳

این تشکیک‌ها و شبهه‌آفرینی‌ها درباره این نوع از عزاداری‌ها تا آغاز دهه هشتاد قمری نبود. این عزاداری‌ها در شهرهای نجف اشرف و کربلای معلی و کاظمین و سامرا به گستردگی اجرا می‌شد. شک و شبهه‌ها پس از روی کار آمدن حکومت جمهوری در عراق، یعنی در حدود سال هزار و سیصد و نود قمری بود که زمزمه تشکیک و خرده‌گیری‌ها علیه عزاداری‌ها شنیده می‌شد و برخی بیماردلان با نشر کتاب یا اعلامیه‌هایی در کم‌رنگ کردن این شعائر تلاش کردند، اما فایده‌ای نداشت که نداشت.

من به خوبی به یاد دارم که در آن دوره دسته‌های عزاداری کربلا به هفت دسته می‌رسید و اگر جمعیت هر دسته را صد نفر، کمی بیشتر یا کمتر بگیریم، کل جمعیت عزاداران شاید به رقمی معادل هزارنفر

۳۴.....بازشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

می‌رسیدند و عزاداری پرشور و حرارت برگزار می‌شد. امروزه بنابه گزارش‌هایی که برخی مسئولان در شهر کربلای معلی داده‌اند تعداد دسته‌های عزای این شهر در صبح روز عاشورا چندین برابر شده است.

این آمار با هفت دسته در آغاز دهه هشتاد قمری در قرن پیش، اصلاً قابل قیاس نیست. رشد جمعیت عزاداران چیزی نبوده که هرگز در آن زمان در تصور کسی درآید. حضور یکباره این جمعیت در شهر نه چندان بزرگی چون کربلای معلی شور و ولوله‌ای عظیم به پا می‌کند و ما را به چیزی جز این جمله از روایت فوق متذکر نمی‌کند که حضرت رسول ﷺ درباره عزای فرزندش امام حسین علیه السلام فرمودند: «فَلَا يَزِدَادُ إِلَّا غُلُوبًا». کارشکنی‌ها و شک‌آفرینی‌ها سودی نمی‌بخشد و پرچم عزای حسینی روز به روز برافراشته‌تر بر آفاق جهان به اهتزاز درمی‌آید.

سؤال‌های سیاه..... ۳۵

بماند که آنچه رفت همه در وصف عزاداری‌های شهر مقدس کربلا بود. بقیه شهرهای عراق از نجف اشرف و کاظمین و سامرا و دیگر بلاد اطراف آن‌ها چون منتفک (ناصریه) و سماوه، تا حتی بصره و در دهات دور و نزدیک هم، این شعیره صبحگاه عاشورا برگزار می‌شود و نیز در خیلی نقاط دیگر دنیا. لذا برشمردن دسته‌های عزا و عزاداران آن‌ها کار ساده‌ای نیست و دست آخر سر از عددی میلیونی در می‌آورد. اینها چیزی نیست جز تحقق وعده رسول الله ﷺ که فرمودند: «فَلَا يَزِدَادُ إِلَّا غُلُوبًا».

### سؤال‌های سیاه

«يَجْرَبُونَ حَظَّهُمْ مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ». این سخن بر زبان عراقی‌ها هست؛ یعنی بگذارید بیشتر با امام حسین ﷺ تجربه کنند. هرکس نسبت به بهره‌ای که با رفتار

۳۶.....بازشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

و عملکردش و جهت‌گیری‌اش نسبت به حضرت امام حسین علیه السلام دارد، به همان اندازه در سرنوشت او اثر خواهد گذاشت. جریان حضرت سیدالشهدا علیه السلام و دستگاه کران‌گسترده‌اش فراتر از گنج‌نایدن در این نوشتار کوتاه است.

برخی کوته‌اندیشان با خرد نارسای خود مسائل عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام را به خیال خود سبک و سنگین می‌کنند و برخی را نستجیر بالله غیر عاقلانه و دور از تعقل می‌دانند و مردم را از انجام دادن آن نهی می‌کنند. اندیشه این افراد عموماً بر دروغ و مغالطه بنا شده است، به گونه‌ای که اگر دلایل آن‌ها را دنبال کنید به مغالطه آن‌ها پی خواهید برد. فقط «کتاب الله و عترتی» از دروغ و مغالطه مبراست، و گرنه دیگران به این دو آفت آلوده‌اند.

سؤال‌های سیاه..... ۳۷

چندی پیش یک نفر از نواصب سخنان بی‌اساسی را درباره حضرت سیدالشهدا علیه السلام به زبان آورده بود که در اینجا خوش ندارم آن‌ها را مطرح کنم. گوینده این مطلب که بازتاب گسترده‌ای هم در فضاهاى مجازى داشت، سخنان خود را به کتاب سفینه البحار مرحوم شیخ عباس قمى عليه الرحمة منسوب مى‌کرد.

بنده به این کتاب مراجعه کردم و ابواب مربوط به حضرت سیدالشهدا علیه السلام را مرور کردم، اما اثرى از آن روایت نیافتم. خوب چنین کارهایی را بنده از وظایف خود می‌دانم. مفصل در این موضوع کتاب را واریسی کردم اما هرچه گشتم روایتی را که آن شخص ادعا می‌کرد نیافتم.

چندسال پیش نیز رویدادی مشابه این پیش آمد و سروصدای زیادی درست کرد. شخصی از نواصب

در وجود مقدس حضرت امام زمان علیه السلام تشکیک کرده بود و مدعی بود که حضرت اصلاً به دنیا نیامده‌اند و ادعای خود را به یکی از کتاب‌های مرحوم صدوق مؤید مستند می‌کرد. بنده آن کتاب شیخ صدوق را نداشتم. درخواست کردم برایم آوردند و محل ارجاع او را به دقت مطالعه کردم. مؤلف هرگز چنین مطلبی را نگفته بود. قضیه کاملاً برعکس بود. مرحوم صدوق در آن کتاب ادعای برخی از منکران حضرت حجت علیه السلام را مطرح کرده و سپس یکی یکی آن‌ها را دقیق و کامل پاسخ داده بود. هم سؤال‌ها و شبهه‌ها را آورده بود و هم پاسخ‌های خودش را. آن شخص ناصبی شبهه‌های مطرح شده در کتاب صدوق را که در آنجا آن‌ها را با پاسخ‌های مفصل خود رد کرده بود از کتاب مذکور برگرفته و ادعا

چهارصد هزار درهم برای جعل یک حدیث.....۳۹

کرده که مرحوم صدوق چنین اعتقادی داشته است و نعوذ بالله منکر وجود حضرت قائم علیه السلام بوده است. که البته کاملاً برعکس بوده و چنین ادعایی جز دروغ و دغل محمل دیگری ندارد. مرحوم صدوق با دلیل و روایت، آن ادعای باطل را رد می‌کند، اما آن شخص همان عبارتی که مرحوم صدوق از اهل باطل نقل کرده است را به خود شیخ صدوق نسبت داده است. این تشکیک‌ها عمدتاً از این قبیل هستند. کافی است قدری دنبال موضوع را بگیرید و منشأ آن را بیابید. به خوبی پرده از دروغ و سیاه‌کاری آن‌ها برخواهید افکند.

### چهارصد هزار درهم برای جعل یک حدیث

پس از به شهادت رسیدن رسول خدا صلی الله علیه و آله همان‌گونه که مورخان و راویان ابنای عامه نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند، فراوان به ایشان دروغ بستند

۴۰.....بلزشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

و بدعت‌های بسیاری در دین او پدید آوردند. از سخن «مَا تَرَكَنَا صَدَقَةً» که خلیفه اول برای غصب حق حضرت صدیقه طاهره عَلَيْهَا السَّلَامُ جعل کرد و آن را به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دروغ نسبت داد گرفته تا هزاران روایت و حکم دروغینی که برای رضایت حاکمان وقت و مصالح آنان، راویان جاعل ساختند و در میان مردم پراکندند. اینها همه در ضلالت و انحراف جامعه اسلامی سهم عمده‌ای داشت.

سمرة بن جندب، صاحب همان نخل مشهوری بود که در داستانی با رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سر آن مشاکسه (چانه‌زنی) کرد و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حاضر شد در برابر رها کردن آن نخل بهشت را برای او تضمین کند اما او نپذیرفت و دست آخر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که دید سمره به هیچ وجه از سر مالکیت آن نخل نمی‌گذرد، بر اساس قاعده «لا ضرر ولا ضرار في الإسلام» دستور داد تا



چهارصد هزار درهم برای جعل یک حدیث.....۴۱

نخل او را ببرند و در برابرش بیندازند، تا از این راه ضرری را که از آن نخل به صاحب خانه می‌رسید دفع کند. حال این شخص را معاویه با چهارصد هزار درهم تطمیع کرد و از او خواست بر منبر برود و بگوید که آن آیه‌ای که در نکوهش ابن ملجم، قاتل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیده است که درباره امیرالمؤمنین علیه السلام بوده، و آیه‌ای که در مدح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است نیز از زبان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیده است که درباره ابن ملجم لعنة الله علیه بوده است. او هم چهارصد هزار درهم را گرفت و درخواست معاویه را انجام داد. این مطلب در کتب تاریخی ثبت است. در آن زمان با ده درهم یک گوسفند می‌خریدند، یعنی آن مبلغ، پول معادل چهل هزار گوسفند بوده است. این هم از باب تقریب به ذهن تا خواننده دریابد که چه مبلغ گزافی را

۴۲.....بلازشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

معاویه در راه تحریف دین، ولو شأن نزول یک آیه،  
هزینه می کرده است.

### شناخت دقیق تر شعائر

این استدلال که نوع خاصی از عزاداری مثلاً  
سینه زنی، زنجیرزنی و غیر آن، در زمان ائمه  
معصومین علیهم السلام نبوده است و از این رو نباید انجام  
داد، از اساس غلط است. این استدلال باطلی است و  
هرگز فقیه و متفقهی پیدا نمی شود که این گونه  
استدلال کند. در زمان ائمه معصوم علیهم السلام کسی در  
رثای حضرت سیدالشهدا علیه السلام شعر می خوانده و  
حاضران مجلس گریه می کردند. اما این دلیلی  
نخواهد بود برای رد کردن انواع عزاداری ها که  
عرفاً و متناسب با محیطها و جوامع مختلف در  
طول سالیان دراز پدید آمده است. همه اینها به دلیل

شناخت دقیق‌تر شعائر..... ۴۳

آنکه تعظیم شعائر مقدس امام حسین علیه السلام است و به فرموده قرآن گواه تقوای قلوب است، باید انجام شود و در این هزار و حدوداً یکصد سالی که از دوران غیبت صغری می‌گذرد هیچ فقیهی حکمی بر حرمت آن‌ها نداده و یا بر آن‌ها اشکال نگرفته است.

این امر حتی برخی امور نوپدیدى که شاید صدسال پیش، کمتر یا بیشتر، اثری از آن‌ها نبوده است ولی امروزه جزو شعائر شده است را هم دربرمی‌گیرد. مسائلی چون پیشواز محرم از این نوع است. بنده خود چندی پیش شنیدم کسی این مسئله را به سخره گرفته بود.

این شخص بی‌گمان اگر شرایع را درست و با تفقه می‌خواند چنین دعوی باطلی بر زبان نمی‌آورد. آیا چیزهایی همانند تلفن و هواپیما و هزاران چیز جدید دیگری که بشر به مرور زمان آفریده است در زمان

۴۴.....بلزشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

ائمه عليهم السلام بوده‌اند؟ طبعاً خیر. همه اینها بعدها و به مرور به وجود آمدند و نمی‌توان هیچ‌یک را به دلیل آنکه در زمان ائمه عليهم السلام نبوده‌اند تحریم کرد و استفاده از آن را خلاف شرع پنداشت.

رسول گرامی خدا صلی الله علیه و آله به خوبی با تشخیص این عده، نام «ائمه کفر» را بر آنها نهاده است؛ زیرا اینان باعث گمراهی خیل عظیم مردمی می‌شدند که ناآگاهانه و بر اثر جهل از آنها پیروی می‌کنند؛ همان عده‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آنها در روایت مذکور به «اشیاع الضلالة» نام می‌برد و حضرت امیرمؤمنان علیه السلام در روایتی که ذکر آن رفت آنها را «همج رعاع» می‌خواند: «وَهَمَجٌ رَعَاعٌ، أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ...»<sup>۱</sup>.

---

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۸۷.

شناخت دقیق‌تر شعائر..... ۴۵

واقع آنکه هر چیزی در عرف جزو شعائر شناخته شود، حتی اگر زمان زیادی از تولید و پیدا شدن آن نگذرد و به شرط آنکه جزو محرّمات نباشد، از شعائر مقدّس است؛ زیرا باعث تجلیل از حضرت می‌گردد.

اگر کسی ادعا کند که این مراسم به عنوان ثانوی حرام است، این ادعایی بیش نیست و کاملاً مردود است. «عرف»، ملاک تعیین شعیره‌هاست. هر شعیره‌ای که فعل حرام در آن نباشد و به وسیله آن از حضرت امام حسین علیه السلام تجلیل شود - یعنی این امر از حیث اجتماع معروف و شناخته شده باشد - البته جزو شعائر است و اجرای آن به فرموده قرآن کریم مایه و نشانه تقوای قلوب است.

پول جمع کردن برای برپایی عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام از این نوع است؛ زیرا همگان

۴۶.....بازشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

استطاعت مالی برای این کار ندارند، لذا چه اشکالی دارد که عده‌ای هم در جمع‌آوری پول شرکت کنند؟! قرض دادن برای اقامه عزای حضرت علیه السلام نیز از شعائر است. رفتن به زیارت اربعین هم وضعی مشابه دارد، با آنکه در زمان ائمه علیهم السلام و رفتن به زیارت کربلا در موسم اربعین به این شکل و با این جمعیت انبوه سابقه‌مند نبوده است. در روایات سخن از تشریف جابر، صحابی معروف پیامبر صلی الله علیه و آله با غلامش در این موسم به مزار حضرت سیدالشهدا علیه السلام به میان آمده است. اما این امر به این قلت باقی نماند و به مرور زمان و گسترش جمعیت محبان حضرت علیه السلام جزو شعائر ایشان شده و احیای آن بسیار مهم و پر اجر است.

احیای شعائر مقدس حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام

امروزه در نهایت اهمیت است. اعمالی چون جمع

عراق سرزمین عزاداران حسینی ..... ۴۷

کردن پول و نشر کتاب و سی دی، به زبان‌های متعدد، چه در عراق و چه بیرون از آن، و خیلی امور مرتبط دیگر که در راستای احیای شعائر حضرت علیه السلام هستند باید انجام شود.

### عراق سرزمین عزاداران حسینی

در این میان سزاوار است که دیگر بار از کسانی که در احیای شعائر حسینی کوشش می‌کنند، به ویژه مردم عراق که میزبان عزاداران حضرت سیدالشهدا علیه السلام در موسم اربعین هستند و همه ساله به بهترین وجه این کار را انجام می‌دهند، تشکر و قدردانی کنم.

امیدوارم دیگران نیز از مردم عراق و استقامت آن‌ها در اقامه شعائر که داستان‌های بسیاری در طول تاریخ در این باره هست یاد بگیرند. زوار کربلا و اقامه کنندگان عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام در این

۴۸.....بلاشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

شهر در طول تاریخ بارها و بارها مورد ظلم و ستم و جور قرار گرفتند. در زمان بعثی‌ها با تانک زوآر حضرت را کشتند. در سال نود یا نود و اندی با هواپیما بمباران کردند.

یکی از ساکنان کشورهای اطراف عراق که در یکی از آن حادثه‌های دلخراش حاضر بود، بعد از سقوط صدام به اینجا آمد و دیگران هم او را دیدند. این شخصی که ناظر مستقیم آن حوادث بوده نقل می‌کرد که با تانک و هواپیما به آن‌ها حمله شد و خیل عظیمی از عزاداران حضرت در این حمله کشته شدند. او نیز که مورد اصابت واقع شده بود در میان کشته شده‌ها افتاده بود. بعد از آن حمله با بولدوزر جنازه‌ها را برمی‌دارند و در جایی میان نجف و کربلا می‌اندازند. بعد از ساعت‌ها گویی نیمه شب به هوش می‌آید و متوجه می‌شود که چه اتفاقی برای او افتاده است.



حتی یک نفر ..... ۴۹

سپس راه شهر را در پیش می‌گیرد و به زحمت خودش را به جایی می‌رساند. این‌گونه تعرض‌ها به زائران و ضرب و قتل آن‌ها در تاریخ بارها روی داده و در آن افراد زیادی از محبّان اهل بیت علیهم‌السلام جان دادند.

### حتی یک نفر

در این‌باره ذکر روایتی که مرحوم علامه مجلسی قدس سره و شیخ عباس قمی قدس سره در کتاب‌های خود آن را ذکر کرده‌اند بی‌مناسبت نیست.

یکی از حاضران در صحرای کربلا که از کوفه همراه سپاه دشمن بود و دست به شمشیر نبوده و در جنگ به کلی شرکت نکرد، نه در قتل حضرت و یارانش و نه در اسارت خاندانش، این شخص که در گوشه‌ای ایستاده بود و ناظر حوادث فجیع روز عاشورا بود، شب‌هنگام و در نیمه‌های شب جیغ‌زنان از خواب برمی‌خیزد. در یک

۵۰.....بلزشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

لحظه چشمانش می سوزد و کم کم دیدش را از دست می دهد و کاملاً کور می شود. اطرافیانش دورش را می گیرند و از حال او می پرسند. می گوید که پیامبر خدا ﷺ را در خواب می بیند که طشتی پر از خون در برابر خود دارد. یک لحظه رو به من کرد و فرمود: تو چرا همراه دشمنان امام حسین علیه السلام به کربلا رفتی؟! به حضرت می گوید: آقا جان، می دانید که من نه شمشیری زدم و نه نیزه ای پرت کردم و نه سنگ انداختم و فقط در گوشه ای ایستاده بودم و تماشا می کردم. حضرت میلی در دست داشتند. آن میل را به درون طشت خون زدند و به چشمان من کشیدند و به من فرمودند: «لکنک کثرت السواد؛<sup>۱</sup> بر سیاهی لشکر دشمنان فرزندم حسین افزودی».

---

۱. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۰۶.

مصرف سهم امام در شعائر حسینی ..... ۵۱

### مصرف سهم امام در شعائر حسینی

کسانی که مرحوم پدر ما - خدا ایشان و درگذشتگان همه مؤمنان را غریق رحمت خود گرداند - را می‌شناختند به احتیاط فراوان او در خصوص مصرف سهم امام به خوبی واقف بودند. ایشان بسیار محتاطانه عمل می‌کردند، به ویژه در خصوص سهم امام این احتیاط به مراتب بیشتر می‌شد. مثلاً به خوبی به یاد دارم مراجعینی را که خمس و سهم امام به گردن داشتند و توان پرداخت آن را نداشتند و به ایشان مراجعه می‌کردند تا به شیوه معمولی که بسیاری از مراجع بزرگوار با تحقق شرایطی با کاری که اصطلاحاً دست گردانی نامیده می‌شود، بدهی آن شخص را نیابتاً متحمل شوند تا هنگامی که بتوانند آن را بپردازند. این گونه مراجعانی را مرحوم والد ما نمی‌پذیرفتند و

می گفتند که اگر خودم داشته باشم می پذیرم که به جای شما مبلغ را بدهم و گرنه از پذیرفتن آن سرباز می زدند و به هیچ وجه هم نمی پذیرفت. از این قبیل موارد بارها پیش آمده بود که مثلاً طرف بیست دینار بدهکار بود و از پدرمان می خواست که این کار را برای او انجام دهد یا دست کم ده دینارش را اصطلاحاً دست گردانی کند، اما پاسخ مرحوم ابوی همان بود و بنا را بر احتیاط گذاشته بود. حال در خصوص شعائر کاملاً برعکس بود. هرگاه برای مصرف این مبالغ در خصوص اقامه شعائر به ایشان مراجعه می کردند، در کمال شگفتی احتیاط علمی اش را کناری می نهاد و بی درنگ به آنها اجازه می داد. این مطلب به حدی واضح بود که توجه خیلی از اطرافیان ایشان را برانگیخته بود. اما سیره علمی و عملی ایشان این گونه

مصرف سهم امام در شعائر حسینی ..... ۵۳

بود. و تا بدین پایه اقامه شعائر را مهم می‌دانست که مصرف سهم امام را در این باره بدون هیچ تردیدی مجاز می‌دانست.

امید آنکه توفیق خدمت در شعائر را به همگی ما بدهند و به آن‌ها که داده بیشتر گرداند.

در آخر اشاره‌ای گذرا به اربعین و شعیره مقدس راهپیمایی روز اربعین دارم. این شعیره از همه حیث، چه از شمار فراوان حاضر در این شعیره و چه کیفیت اجرای آن، در جهان بی‌نظیر است.

فراوانی غذاها و خدمات گسترده رایگان به زائران و مسائل رفاهی و پزشکی و غیر آن، نمونه‌ای است که به جرأت می‌توان گفت که در دنیا نظیری برای آن وجود ندارد. در رابطه با این شعیره باشکوه جا دارد که هم اطلاع‌رسانی شود به جهان و هم در

۵۴.....بلزشناسی اندیشه سیاه دشمنان شعائر

اجرای باشکوه‌تر آن، همگی در حد توان و اختیار  
خود کوشش کنیم.

از شعائر دیگری که از دیرباز در مناطق مختلف به  
خصوص در عراق مرسوم بوده است و قدمت آن به  
زمان شیخ مفید و شیخ صدوق رضی الله عنهما و حتی پیش از آن  
می‌رسد، روشن نکردن آتش در خانه‌ها در روز  
عاشورا است. در این خانه‌ها - همان‌گونه که الآن هم  
مرسوم است - به احترام این روز بزرگ برای  
پخت‌وپز، آتش اجاقی را روشن نمی‌کنند. امروزه  
خانواده‌های بسیاری حتی شیر گاز را قطع می‌کنند تا  
مبادا بچه‌ها آن را روشن کنند. الحمدلله با خیرات و  
اطعام فراوان چه بسا نیازی به پخت‌وپز هم در این  
جور مناطق نباشد. این کار به حق شعیره است،  
هر چند کمتر از آن یاد شده است.

مصرف سهم امام در شعائر حسینی ..... ۵۵

پایان سخن اینکه همه در حد خود در بهتر برگزار کردن شعائر حضرت امام حسین علیه السلام کمر همّت ببندند. شعیره مقدس اربعین در این میان اهمیت و تجلی بیشتری دارد. امید آنکه همان‌سان که در سال پیش اشاره کردم به شخصی که برای فرستادن زوآر هواپیما اجاره کرده بود و رایگان زائران حضرت را به عراق می‌فرستاد، امسال نیز او و همانندان او موفق‌تر و پرشورتر در اجرای شعیره اربعین بکوشند. امید آنکه زیارت اربعین امسال پرشکوه‌تر و باشکوه‌تر از هر سال برگزار گردد.